

خارج فقه استاد اراکی دوشنبه پنجم آذرماه ۱۳۸۶ شمسی قم صلاة الجمعة

دلیل خامس ای که می توان اقامه کرد بر عدم مشروعیت نماز جمعه بدون حضور امام او من نصبه این است که گفته شده اگر نماز جمعه بدون حضور امام او من نصبه وجوب تعیینی پیدا کند لازمه آن اختلاف بین مومنین و فتنه و فساد خواهد بود

طلبه: اشکالی از درس قبل موجود است شما فرمودید راس فرسخین مخیر است نماز جمعه استقلالی برگزار کند یا در نماز جمعه شهر شرکت کند حالا این راس فرسخین به ازید از آن کاری نداریم اگر شرایط نماز جمعه استقلالی برای او نبود باز مخیر است یا شرکت در نماز جمعه شهر واجب تعیینی می شود؟ اگر واجب تعیینی می شود با جمع ما منافاة دارد چون سر دوفرسخ را گفتیم مخیر است

استاد: در مقام فعلیت تعیینی می شود وقتی یک شق ممکن نبود شق دوم تخیر متعین می شود

طلبه: ولی با روایات وضع عن راس فرسخین منافاة دارد؟

استاد: وضع ظهور دارد که صلاة جمعه برای او جعل تعیینی نشده ، تعیینی در مقابل اشتراک در صلاة جمعه بعدی ، رفع تعیین به نسبت صلاة جمعه دیگرش شده ، می تواند خود اقامه کند یا در نماز جمعه شهر شرکت کند

طلبه: این جوری معنا کنیم وضع بین مریض و علی راس فرسخین بین این دو تا فرقی دارد؟

استاد: به قرینه که آمده وضع که آمده در روایت دیگر وجب آمده گفتیم وضع و وجب یک موضوع است دو عبارت در یک موضوع به کار رفته من کان علی راس فرسخین در یک جا گفته وضعت الجمعة عنه در یک جا وجب علیه الجمعة ، هر دو هم صحیحه ، یکی زراعه

طلبه: وجه جمع دارد علی راس فرسخین نقطه اتمام دو فرسخ هم شروع فرسخ سوم است ، یعنی کسی که

انتهای فرسخ دوم است روایت می گوید وجب علی من کان راس فرسخین یعنی کسی که انتهای فرسخ دوم

است آن جایی که می گوید وضع عن کان علی

استاد: عبارت یکی است می شود جمع تبرعی است

طلبه: بعدش می گوید فان زاد یعنی از ۲ فرسخ به بیشتر وضع ، آن جا هم می گوید وضع علی راس فرسخین از همان

استاد: نه فان زاد حکم مستقلی است علی فرسخین را وضع گفت ، گفت وضعت صلاة علی من كان راس فرسخین نسبت به مازاد را نگفت تعرض به من زاد ندارد

طلبه: ظهورش این است که فقط راس فرسخین نیست مازاد هم هست

استاد: ظهور این نیست، یک عبارت است ۲ جور حکم برای يك موضوع، تجب با وضع، کنار هم تجب و وضع را بگذاریم نظیر یجب و لایس بترکه ، یا یحرم و و لایس بترکه می شود ناچار می شویم دست از ظهور یحرم در الزام برداریم و به گوئیم دلالت بر کراهت دارد ، جمع عرفی است یعنی عرف همچنین جمعی می کند وضع داریم یجب داریم جمع عرفی اقتضا می کند که از وضع این گونه استفاده می شود که یعنی وضع وجوب تعیینی اش ، وجوب تعیینی نسبت به نماز جمعه شهر

طلبه: نسبه به صلاة جمعه هم توی روایت نمی خواهد نمازی نسبت به نماز دیگر بسنجد ؟

استاد: روایت تجب خمسة و ثلاثون صلاة منهم جمعة تجب جماعة اول این را می گوید بعد می گوید وضعت از عده من جمله من كان علی راس فرسخین وضعت حضور در این جماعت بر کسی که علی راس فرسخین، چه جور وجوب تعیینی از آن وضع شده باشد وقتی در روایت دیگر داریم همین انسان تجب صلاة جمعة

طلبه: این حکم بر راس فرسخین صحیح است ولی کسی که ازید از فرسخین است حضرت فرموده فلاشیء علیه وجوب برداشته شده پس حضور در نماز شهر مشروع نیست چون حکمی نداریم ولی اگر استقلالاً شرایط اقامه جمعه برایش فراهم بود آیا می توانیم شرکت در نماز شهر مشروع نیست؟ چون حضرت لا شیء علیه گفت؟

استاد: نه

طلبه دوم خطاب به طلبه اولی: لا شیء گفت نه که جایز نیست

طلبه: حکم ازید فرسخین را با حکم فرسخین یکی می دانید

استاد: حکم راس فرسخین یجب صلاة جمعه اما ان یقیمها هو او یجتمع مع من اقامتها فی مادون الفرسخین است اما کسی که مازاد راس فرسخین لایجب که خودش اقامه کند نه یجب علیه جای دیگر شرکت کند مگر خودش شرایط اقامه داشته باشد

طلبه: از کسی که راس فرسخین چگونه وجوب تخییری را دریاوریم؟ می شود گفت حرام است استقلالاً؟

استاد: گفتیم مقتضای تجب همین است روایت محمد بن مسلم گفت تجب ، واجب است اون هم گفت وضع نتیجه ، این تجب ، تجب جامع اقامه و حضور ، وضع یعنی وضع از حضور در این جمعه ، فرسخ واحد را از ادله خودش استفاده می کنیم کمتر یک فرسخ ادله گفته نمی شود دو جمعه اقامه کرد، بین یک فرسخ و فرسخین هم به طریق اولی حکمش همین است اگر سرفرسخین یجب علیه کسی که نزدیکتر به طریق اولی یجب سر دو فرسخ یکی از این دو کار رابه کند به خلاف دورتر که هیچ حکمی ندارد ما گفتیم نتیجه جمع دو روایت از یک سو و روایات عامه داله بر وجوب نماز جمعه مطلقا که ظهور وجوب تعیینی دارد و روایات داله وجوب حضور جمعه مادون فرسخ اقامه می شود این می شود طلبه: برای ما بعد دو فرسخ ساکت است

استاد بله ، در نتیجه از این تکلفات کلمات فقها خلاص می شویم ، مادامی که خود عبارت را به فهمیم چرا عوض کنیم؟

طلبه: کسی که در هر جایی قرار دارد دایره ای به شعاع ۲ فرسخ داخل دایره اگر امکان بود باید اقامه کند یا شرکت کند

استاد: ائمه حکم کسی که مادون فرسخ را بیان کردند حکم مازاد دو فرسخ را هم بیان کردند فقط فاصل مازاد ۲ فرسخ و مادون ۲ فرسخ را بیان نکردند با علی راس فرسخین حکم را بیان کردند

طلبه: علی راس فرسخین موضوعیتی دارد کنایه نیست از مشقت نه این که منظور دایره بکشند

استاد: سر دو فرسخ تکلیف چیست سر یک فرسخی تکلیف چیست

طلبه: اصلاً موضوعیتی نداشته فرسخ؟

استاد: فقه جدیدی می‌شود، دست از ظهور واژه‌ها برداریم می‌شود فقه جدیدی می‌شود

طلبه: حضرت منظورشان کیلومتر نبود مشقت بوده مویده مشتقات بر مریض و صغیر و ..

استاد: منظورشان این بوده باید دلیلی داشته باشیم، یا دلیل لفظ است که این را نمی‌رساند یا دلیل چیز دیگری است بیاورید

طلبه: چون هشت تایی دیگر مشقت منظور بوده صغیر و مریض و

استاد: بر فرض حکمت آن مشقت باشد موضوع حکم بر من کان راس فرسخین رفته، ممکن است بدلیل این که غالباً در معرضیت مشقت است گفته باشند

طلبه: فاصله ۲ فرسخ از مکانی است که برگزار می‌شود یا جایی که شرایط در آن باشد

استاد: ظهور در جایی است که شرایط در آن است

طلبه: یکی فاصله اش بیش از ۲ فرسخ است ولی فاصله اش تا محل برگزاری ۳ فرسخ است از یک فرسخ به آن ور که اقامه نماز جمعه جدید اشکالی ندارد برای آن آقا دو فرسخ محسوب می‌شود یعنی کمتر از دو فرسخ می‌شد حالا آیا واجب است آن آقا بیاید این جایی که با آن کمتر از دو فرسخ فاصله دارد بیاید این جا اقامه کند؟

استاد: یا باید این جا بیاید یا خودش اقامه کند

طلبه: جایی که خودش هست شرایطش نیست پس باید بیاید یک فرسخی اقامه کند اگر نماز نیست پس بلاد کبیره حتماً باید ۵ تا نماز جمعه باشد

استاد: چه اشکالی دارد؟ شعاع ۶ کیلومتر یک جمعه برگزار شود با اعتبار عقلایی سازگار است والا شعاع ۲۰ کیلومتری فقط یک نماز جمعه برگزار شود جا نیست فرض این است همه نماز جمعه خوان هستند

بحث جایی که گنجایش ۱۰ میلیون داشته باشد نداریم ولی شعاع ۶ کیلومتر معقول است لذا روایات در مساله حج کسانی که ۱ بار رفته اند دیگر حق ندارید بروید حج

طلبه: کسانی که ۱ فرسخ فاصله دارند واجب نیست اقامه ولی ۳ فرسخی واجب است بیاید توی این یک فرسخی اقامه کند: بیشتر از ۱ فرسخ فاصله دارد واجب نیست جمعه اقامه کند ولی کسی که ۳ فرسخ فاصله دارد و شرائطش آن جا نیست باید بیاید توی یک فرسخی و این جا اقامه کند؟

استاد: گفتیم اگر در فاصله ۲ فرسخی اش اگر شرایط بود یا آن جا یا خودش اقامه کند

دلیل (۵) اگر نماز جمعه مشروط به حضور امام و من نصبه نبود و مشروعیت بدون امام داشت لازمه آن فتنه و فساد بود بدلیل این که در هر جمعی کسانی که خود را صالح نماز جمعه می دانستند تنافس و رقابت می کنند و هر کسی که خود را صالح می داند جای نماز با هم دعوا می کند پس چون لازمه مشروعیت نماز جمعه بدون امام فتنه است عقلاً باید مشروعیت اقامه مشروط به امام باشد

یرد بر دلیل ۵ اولاً هیچ تلازمی بین عدم شرطیت نصب و حضور امام در مشروعیت نماز جمعه با فتنه و فساد نیست ممکن است نصبی در کار نباشد حضوری نباشد مردم تسالم کنند با شخص واجد شرایط به عنوان امامت جمعه مثل روایت زراره امهم بعضهم و خطبهم، مگر ممتنع است توافق مردم، در نمازهای جماعت هم امام جماعت تقدیمی دارد بر غیر امام با این که در امامت جماعت کسی قائل به شرطیت حضور امام نیست برای امامت جماعت مردم هر شخص واجد شرایطی باشد پیدا می کنند نماز جمعه باشد همان یا بهتر را پیدا می کنند چه تلازمی است بین عدم شرطیت امام یا من نصبه در ایجاد اختلاف و دعوا

طلبه: قیاس جمعه و جماعت درست نیست در جماعت هر کسی، که کسانی را قبول ندارد خودشان اقامه می کنند فاصله شرط نیست ولی در جمعه فاصله بسیار زیادی شرط است دو جمعه هم باطل می شود

استاد: در نماز جماعت ۵ نفر ۱۰ نفر هستند یا مردم مختلف المسلك مختلف رای همه جمع می شوند سر یک امام جماعت با وابستگی های مختلف، آیا تاریخ اسلام سابقه داریم هر دسته ای که یک وابستگی خاص داشته باشند یک جماعت داشته باشد

اما لازمه فتنه و فساد باشد مگر ما در تاریخ تشیع

دلیل بعد ردیه بعدیه همین است عملاً زمان حاضر خیلی دنیا مسلمانان دور هم جمع می شوند خودشان امام انتخاب می کردند و هیچ اختلافی هم نبود حتی در بین اهل سنت خیلی ها که حکومت ها دخالت نمی کنند خودشان انتخاب می کنند در ایران چون خود ولی فقیه متصدی نصب جمعه است دخالت نمی کنند وی شیعیان در عراق بحرین وضعیت مثل زمان ائمه مگر دعوا شده است بین شیعیان؟

طلبه: این حکم وجوب نداده اند

استاد: سنی ها چی ؟

طلبه: سنی ها عدالت را شرط نمی دانند امامت جمعه فضیلتی نیست

استاد: نماز جمعه های متعدد نیست نماز جمعه های بزرگ برپا می کنند عدالت را شرط نمی دادند کسی که خطبه می خواند برای ۱۰ هزار نفر حرف می زند تریبون است خطبه است آن ها را بسیج می کند تحریک می کند ما نشنیدیم سر نماز جمعه کشت و کشتار کنند در جمعه مگر خیلی نادر که در جماعت هم اتفاق می افتد

طلبه: با فرض وجود ولی فقیه احتمال نزاع از بین می رود؟

استاد: عرض کردم مسأله ولی فقیه حتی بنا بر شرطیت حضور امام ، باز هم به ولایت فقیه مشکل حل است دلیل ولایت فقیه حاکم است بر سایر ادله ، و همان صلاحیت های ائمه را برای ولی فقیه هم قائل خواهیم شد لذا منافاة با شرطیت ندارد

طلبه: اول انقلاب هم در محراب شهید شدند

استاد: خود امیر المومنین اولین شهید محراب است

ایراد سوم به این استدلال ، ایراد دوم این بود واقع جوامع اسلامی خلاف این را ثابت می کند چون در نقاط بسیار زیادی جمعه برقرار می شده بدون نصب امام و فتنه به وجود نیامد

رد سوم فرض این که رقابت سر جمعه بین مومنین بین سه امام جمعه واجد شرایط دعوا به گیرد به فتنه برسد، فرض متناقض است با ایمان و عدل امام جمعه سازگار نیست ، ممکن است تناقض در مناصب دنیا اتفاق بیفتد ولی انسان های واجد شرایط اتفاق نمی افتد اگر خودشان با هم حل کنند

طلبه: سلیقه سیاسی مخالف است

استاد: حتی دعوا برای خدا باشد، فتنه از هر حرامی، حرمتش اشد است

دلیل ششم: دلیلی اقامه شده است بر شرطیت حضور امام و من نصبه لمشروعیت صلاة الجمعة روایتی است که مرحوم صدوق ره در من لایحضره الفقیه و همچنین در عیون اخبار و علل الشرائع نقل می کند دو روایت است منتهی که دو روایت مکمل هم اند در استدلال در استدلال به دو روایت رویهم رفته تمسک شده است روایت اول از صدوق در من لایحضر، کلینی و شیخ هم روایت کرده اند، صدوق باستناد به ابی جعفر علیه السلام،

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَهِيَ صَلَاةُ الظُّهْرِ قَالَ وَتَزَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَرَسُولُ اللَّهِ ص فِي سَفَرٍ فَقَنَتَ فِيهَا وَتَرَكَهَا عَلَيَّ حَالِهَا فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ وَأَضَافَ لِلْمُقِيمِ رَكْعَتَيْنِ وَإِنَّمَا وَضِعَتِ الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ أَضَافَهُمَا النَّبِيُّ ص يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِلْمُقِيمِ لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ مَعَ الْإِمَامِ فَمَنْ صَلَّى يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي غَيْرِ جَمَاعَةٍ فَلْيَصِلْهَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ كَصَلَاةِ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ وَرَوَاهُ الْكَلِينِيُّ وَالشَّيْخُ كَمَا مَرَّ فِي أَعْدَادِ الصَّلَوَاتِ

«سند صحیح است» نماز جمعه را به همان دو رکعت نگه داشت عرض کردیم به مناسبتی در مساله قصر و اتمام اصل، تشریع قصر بوده ابتدا همه نمازهای پنجگانه دو رکعتی بوده بعد بعد رسول خداصل الله علیه و آله وسلم سه تا از نمازها را دو رکعت اضافه کرد و نماز مغرب را یک رکعت اضافه کرد، نماز مغرب برای مقیم و مسافر و رباعیات را برای خصوص حاضر، اضافه کرد برای نماز جمعه را نیفزود حتی برای حاضر، کتاب صلاة از وسایل الشیعه ابواب صلاة جمعه و آدابها باب ۶ ح ۱ بعد صدوق روایتی در عیون اخبار الرضا و علل نقل می کند که عمدتاً روایت دوم است که محل استناد است

وَفِي عَيُونِ الْأَخْبَارِ وَالْعِلَلِ بِإِسْنَادٍ يَأْتِي عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ الرِّضَا ع قَالَ إِنَّمَا صَارَتْ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ إِذَا كَانَ مَعَ الْإِمَامِ رَكْعَتَيْنِ وَإِذَا كَانَ بِغَيْرِ إِمَامٍ رَكْعَتَيْنِ لِأَنَّ النَّاسَ يَتَخَطَّوْنَ إِلَيَّ الْجُمُعَةَ مِنْ بَعْدِ فَأَحَبُّ إِلَيَّ

عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمْ لِمَوْضِعِ التَّعَبِ الَّذِي صَارُوا إِلَيْهِ وَلِأَنَّ الْإِمَامَ يَحْبِسُهُمُ لِلْحُطْبَةِ وَ هُمْ مُنْتَظَرُونَ لِلصَّلَاةِ وَ مَنْ انْتَظَرَ الصَّلَاةَ فَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فِي حُكْمِ التَّمَامِ وَلِأَنَّ الصَّلَاةَ مَعَ الْإِمَامِ أَتَمُّ وَ أَكْمَلُ لِعِلْمِهِ وَ فَقْهِهِ وَ فَضْلِهِ وَ عَدْلِهِ وَ لِأَنَّ الْجُمُعَةَ عِيدٌ وَ صَلَاةُ الْإِيدِ رَكْعَتَانِ وَ لَمْ تُقْصَرْ لِمَكَانِ الْحُطْبَتَيْنِ

وسائل الشیعة ج : ۷ ص : ۳۱۳ باسناد از فضل بن شاذان عن الرضا علیه السلام

عمده استشهاد به این ذیل است لان الصلاة مع الامام اتم و اکمل لعلمه وفقهه....

استدلال به این است که می فرماید امام جمعه نماز با او اتم و اکمل است چرا لعلمه و فضله ، این شرایط در چه کسی متوفر است یا باید متوفر باشد در امام جمعه معصوم باشد باید همه این شرایط فراهم باشد ، امام جمعه اگر معصوم نباشد لازم نیست فقیه باشد که یا فضله یا علمه این علمه یا فضله حالا عدله خیلی خوب این تقریب ، تقریب بنده است از این استدلال ، تقریب آقای خوئی فرق می کند، ما این تقریب را ترجیح می دهیم ، تقریب ما اقوی است فقه و فضل و علم در کدام امامی شرط امامت فرض شده؟ هیچ امامی شرط امامت او نیست ، در حالی که در روایت فرض شده امام حتماً این شرایط را دارد ، حتماً فضل دارد حتماً علم دارد افضل هم نیست نگفته افضل ، فضل گفته ولی همین ها در امام جمعه عادی معتبر نیست در حالی که روایت مفروغ عنه گرفته واجدیت امام به این صفات پس باید امام ، امامت جمعه معصوم باشد یا من نصبه ، منصوب خاص امام حتماً دارای این شرایط است ، چون امام هرکسی را منصوب نمی کند این استدلال برای شرطیت امام یا من نصبه همان باب ح ۳